

صد سال در ستایش فرهنگ

چهره‌های علمی، فرهنگی و هنری فارس

حسن مشکین فام

ناشر: حسن مشکین فام فرد - ۳۴۸ صفحه مصور

معرفی از: امین فقیری



حسن مشکین فام هنرمند است. به قولی از هر انگشتمش یک هنر می‌ریزد، خوشنویس است. عکاس است و از همه مهمتر نقاش است. نثر به قاعده‌ای دارد. در انتخاب واژگان دقت می‌کند. به گونه‌ای که هنگام توصیف از طبیعت نثرش به شعر نزدیک می‌شود. مهم نیست که تو رسماً شاعر باشی. مهم اینست که شاعرانه فکر کنی و پشت هر واژه‌ات غم ثبت نکنی تاریخ فرهنگ این سرزمین فریاد بکشد.

مشکین فام همتی والا دارد. کتاب‌هایش را بدون هیچ‌گونه کمک از این و آن چاپ می‌کند. او سعی دارد چهره‌های فرهنگی استان مخصوصاً شیراز را که با بی‌همتی ما، زیر غبار زمان مدفون می‌شوند، بیرون آورد، غبار سالیان را بتکاند و با معرفی آنان به ما باعث شود که ما درک کنیم چه رادمردانی بوده‌اند که با عشق و پشتکار توانسته‌اند فرهنگ این سرزمین را سر پا نگاهدارند. خود او در مقدمه کتاب می‌نویسد:

«اهمیت و اعتبار ملت‌ها به فرهنگ و تمدن‌هاست که توسط هنرمندان، فرهنگوران، صنعتگران و صاحبان اندیشه و فکر آن جامعه تولید می‌شود. اهمیت دادن به آنها و تلاش در حفظ و نگهداری دستاوردهای آنان از مهمترین وظایف مسئولین و نهادهای زیربند دولتی، آحاد ملت و علاقمندان به آنهاست تا برای نسل‌های آینده حفظ و نگهداری شود.»

می‌بینیم که نیت خیر است. زحمت و مرامت زیاد برای تهیه عکس و مدارک و تحقیق و پژوهش درباره‌ی یک‌یک افراد و سپس تدوین آنها به ترتیب اهمیت و سختی‌ها و مرامتی که برای به دست آوردن یک تصویر قدیمی و این در و آن در از زین متحمل شده‌اند را نمی‌توان با این واژگان، ناچیز قدر و اهمیت آنها را ادا نمود. با نویدی که حسن مشکین فام می‌دهند برنامه مسیوبی برای آینده دارند و آن یک دوره یی هفت جلدی است که اکنون جلد اول آن در اختیار ماست.

در این جلد چهره‌ها و نمونه آثار روزنامه‌نگاران، چاپخانه‌ها و کتاب‌فروشی‌های شیراز و فارس با عنوان چاپ و نشر به چاپ رسیده است و موضوعات ۶ جلد دیگر به ترتیب در زیر آمده است:

جلد ۲ - هنرهای دستی و بومی شامل هنرمندان خاتم‌کار، آینه‌کار، گچ‌بهر، قلمزنی، کاشیکار، سنگتراش، نجار و ...

جلد ۳ - هنرمندان تجسمی شامل: هنرمندان نقاش، گرافیک، عکاس و معمار

جلد ۴ - هنرهای نمایشی شامل: هنرمندان تئاتر، سینما و تلویزیون

جلد ۵ - ادبیات شامل: هنرمندان شاعر، مترجم، پژوهشگر، داستان‌نویس

جلد ۶ - جامعه‌ی علمی شامل: استادان دانشگاه، مخترعین، مهندسی، پزشکان

جلد ۷ - هنر موسیقی شامل: موسیقیدانان، آهنگسازان، آوازخوانان، نوازنده‌ها

حسن مشکین فام اذعان دارد: تهیه این مجموعه نتیجه تلاش اینجانب در ملاقات و عکاسی از آنها طی بیش از ۳۵ سال و از طرف دیگر جمع‌آوری عکس‌های پیشینیان آنها با مراجعه به خانواده، دوستان، همکاران و بازماندگان آنها در آرشوهای پراکنده و بسیار اندک است.

مسلم است که این مجموعه به هیچ وجه دربرگیرنده تصاویر و مشخصات تمامی شخصیت‌های معاصر فارس نیست. گستردگی این حیطه و عدم امکان دستیابی به آنها و یافتن بسیار دشوار بعضی، بخصوص چهره‌های سال‌های دورتر به خاطر عدم وجود فرهنگ عکاسی و تهیه آرشو و نگهداری عکس از چهره و فضای کار و فعالیت، حتی عکس‌های بسیار ساده و معمولی «پرسنلی» از مشکلات و موانع بسیار جدی در تهیه یک مجموعه مصور از آنهاست. بنابراین همکارتر هم‌ه‌ی علاقمندان و مطلعین می‌توانند در کامل‌تر شدن این مجموعه در چاپ‌های بعدی مؤثر باشد.

بخش اول: روزنامه‌نگاری
خوشبختانه در امر مطبوعات شیراز و فارس حرف اول را می‌زند. به گواهی پژوهشگرانی چون سید فرید قاسمی و سیروس رومی، شیراز همیشه شروع کننده بوده است.

«روزنامه‌نگاری فارس، زادگان پیشینه دیرینه‌تری از چاپ و نشر مطبوعات فارس دارد. چهل و سه سال قبل از انتشار مطبوعات در ایران و هفتاد و هشت سال پیش از نشر المطبوعه فی الفارس «اولین روزنامه شیراز» یک شیرازی نخستین نشریه ارمنی جهان را در مدرس هند منتشر کرد. بنابر منابع نشریه آزاد ارار (خبرنامه) که اولین شماره‌اش در ۱۶ اکتبر ۱۷۹۲ به وسیله **هاروپتون (هارطون)** شمایونیان شیرازی (۱۸۲۴ - ۱۷۵۰ م) انتشار یافت. نخستین نشریه ارمنی زبان در جهان است» با این پیشینه معلوم می‌شود که شیرازی‌ها ی دیگری هم قبل از تأسیس روزنامه در ایران، در هند دست به انتشار روزنامه زده بودند. برای آگاهی بیشتر می‌توانید **«وضعیت مطبوعات فارس از آغاز تا امروز»** را در کتاب مطالعه فرمایید.

اسامی کسانی که خادمین مطبوعات بوده‌اند و بعضی نیز در راه آزادی شهید گشته‌اند به ترتیبی که در کتاب آمده تقدیم می‌شود. **هاروپتون (هارطون) شمایونیان، جهانگیر خان شیرازی (صور اسرافیل)، سید ضیاءالدین طباطبایی یزدی، سید محمدرضا مساوات شیرازی، سید ابراهیم شیرازی (ناهدی)، میرزا تقی خان کاشانی، محمدحسین استخر، حبیب‌الله نوبخت، محمدجواد آزادی،**

۱۵ - چاپخانه کورش ۱۳۴۶ شمسی

۱۶ - چاپخانه فارس ۱۳۴۷ شمسی

۱۷ - چاپخانه پاسارگاد ۱۳۴۷ شمسی

۱۸ - چاپخانه دانشگاه شیراز ۱۳۴۷ شمسی

۱۹ - چاپخانه فخر ایران ۱۳۵۳ شمسی

۲۰ - چاپخانه وحید ۱۳۳۶ شمسی

پس از انقلاب اسلامی ۱۷ چاپخانه دیگر در شیراز مشغول به کار کرد که مشهورترینشان: چاپخانه پرواز، چاپخانه سعیدی و چاپخانه دنا می‌باشند.

چاپخانه‌های مطبوعات

هیچ ارگانی همانند مطبوعات به چاپخانه احتیاج ندارد. چرا که در چشم مردم مطبوعات باید هر صبح یا بعدازظهر یا هفتگی به دست مردم برسد و اگر مجله باشد هفتگی و ماهیانه و فصلنامه. در نتیجه به عوامل متعددی نیاز هست تا مطبوعات در موعد مقرر به دست مردم برسد. گاه کم و گاه زیاد. پس از جانب چاپخانه‌ها و مطبوعات باعث کدورت‌هایی می‌شود که دود آن به چشم خواننده می‌رود. بنابراین مطبوعات مهم شیراز همانند **خبر جنوب و عصر مردم** خود راساً اقدام به تأسیس چاپخانه نمودند تا خیالشان از بابت چاپ روزنامه راحت باشد.

شهرستان‌های استان فارس نیز از این قافله عقب نمانده اقدام به برپایی چاپخانه نموده‌اند از جمله: آباده، فسا، لار، مرودشت، نی‌ریز، استهبان، کازرون، ممسنی، کوار، زرقان، خرانه، جهرم و ارسنجان «ناشران»

در این قسمت مؤلف هنرمند کتاب مقدمه‌ای از تأسیس کتابخانه در فارس آورده‌اند که الواح خشتی کشف شده در سرداب‌های هخامنشیان در کاخ آپادانا و تأسیس کتابخانه‌های بزرگ قبل و بعد از اسلام، از جمله در دوره دیلمیان تا دوره صفویه (کتابخانه امام قلی خان و کتابخانه مدرسه خان در شیراز) کتابخانه وفا در دوره زندیه و کتابخانه‌های خانواده وصال و خانواده صاحب دیوان در دوره قاجاریه و بعد هم کتابفروشی‌های معتبری چون معرفت که خود به چاپ کتاب نیز اقدام می‌کردند و بعضی هم کتابفروشی به آن معنا نبودند اما در حوزه نشر فعالیت چشمگیری داشتند همانند انتشارات نوید شیراز، انتشارات ادیب مصطفوی، انتشارات کوشامهر، انتشارات کورش (سروش)، انتشارات امام زاده‌ای، انتشارات لطیفی، انتشارات راهگشا، انتشارات تخت جمشید، انتشارات اسفند و انتشارات هنر بیستم.

کتابفروشی‌ها

کتابخانه احمدی، کتابفروشی شفیعی، کتابفروشی نادری، کتابفروشی بلادی، کتابفروشی رعنا حسینی، کتابفروشی مرکز گسترش فرهنگ، کتابفروشی هاشمی (بهار)، کتابفروشی رجایی، کتابفروشی دانش، کتابفروشی محمدی، کتابفروشی ممتحن، کتابفروشی بین‌المللی، کتابفروشی دهقان، کتابفروشی خرد، کتابفروشی برادر، کتابفروشی اسفند، کتابفروشی عبدالهی، کتابفروشی امین، کتابفروشی فرهنگ و هنر و کتابفروشی خانه کتاب.

فراز‌هایی از مقاله زنده‌یاد خلیل زمان ثانی

مدیر و مؤسس کتابفروشی هاشمی به طوری که از معمرین که حال، هیچکدام در قید حیات نیستند شنیده‌ام کتاب‌فروشان در شیراز بوده‌اند که در کار خود بسیار ساعی و بعضی از آنها هم کتاب را با سرمایه خود و افراد خیر به صورت وقف همگانی چاپ می‌کردند و مجانی به دست مردم می‌دادند. به این شریط که اگر الان وقت مطالعه نداشتند کتاب را پیش خود نگهداری نکنند،

به دیگران بدهند و دست به دست بگردانند و پس از مطالعه برگردانند.

دیگری آقای محمدحسین رکن‌زاده، فرزند رکن‌التجار بوده که ایشان کتابفروشی آدمیت و قرائت‌خانه آدمیت و گویا روزنامه آدمیت هم داشته و هر از مدتی فهرستی از کتب موجود کتابفروشی خود را به صورت چاپی منتشر می‌کرده. این مرد شریف بعداً در روزنامه (شفق سرخ) علی دشتی یا (روزنامه کوشش) ششکراله صفوی که هر دو مدیرشان فارسی (بrazجانی و بوشهری) بوده‌اند، مقالاتی در مورد فارس و جنگ بین‌الملل اول نوشته و این کتاب و کتاب دیگری به نام دلبران تنگستانی که نویسنده بزرگوار مرحوم سید محمدعلی جمال‌زاده هم شرحی درباره آنها نوشته، چندین بار توسط کتابفروشی (اقبال تهران) چاپ شده.

نویسنده (اینجناب خلیل زمان ثانی) متولد شهریور ۱۳۰۸ ش، از سال ۱۳۳۱ ش شوق وافری به خواندن روزنامه و کتاب داشتم و با استعداد بسیار هر روز سه چهار کتاب شاید حدود هزار صفحه می‌خواندم. البته به اقتضای سن بیشتر رمان و کمتر کتب جدی.

کتبی که آن زمان‌ها می‌خواندم کتب مرحوم میرمحمد حجازی، آینه اندیشه و کتب مرحوم جمال‌زاده و دیوان مرحومه پروین اعتصامی و کتب پلیسی نات پنکرتون، جینگز رجایی، آرسن لوپن و از این قبیل کتب بود، تا اینکه در شهریور ۱۳۳۳ ش کتابفروش شدم. از کتابفروشی‌هایی که سال ۱۳۳۳ شمسی به بعد خود دیدم. نخست مرحوم آقای حاج شیخ تقی معرفت، مؤسس کتابفروشی معرفت شیراز بودند. شاید لقب شیخ ایشان بدین جهت بود که در اوایل در لباس عبا و عمامه بوده‌اند. موقعی که من ایشان را می‌دیدم روی شلوار پالتو می‌پوشیدند و کلاه شاپو به سر می‌گذاشتند.

ایشان پدر آقای حسن معرفت بود که اوایل در خیابان ناصرخسرو تهران کانون انتشارات معرفت را تشکیل داده و بعد در اول خیابان لاله‌زار به مغازه‌ای منتقل شدند که قبلاً اداره مطبوعاتی پروین به مدیریت دکتر عزت‌الله همایون فر از کتابفروشان فعال و نواندیش تهران بود و کتب خوبی هم انتشار داده بودند. آقای همایون فر کلمه (اداره) را به جای (مؤسسه یا بنگاه) که سال‌های بعد بسیار رسم شد به کار برده بودند (که اینک اداره دولتی باشد) و پس از سال‌ها شاید ۲۰ - ۱۳۲۵ ش به خیابان انقلاب رفتند.

مکسر در مکرر خدمت حاج شیخ محمدتقی معرفت رسیده بودم و ایشان جدیت داشت که کامل‌ترین کتابفروشی شیراز را داشته باشد. به طوری که مثلاً اگر ما که نوجوان پانزده - شانزده ساله‌ای بودیم و کتابی داشتیم که ایشان نداشت از ما می‌خرید که به افراد مراجعه کننده به کتابفروشی معرفت کلمه‌ی (نداریم) را نگویند.

معروف است که در بدو تأسیس کتابخانه معرفت که از خوئاسار آمده بودند و در جره‌های از حجرات کاروانسرای پرفرت و آمد شیخ نصر نزدیک حرم شاه‌چراغ(ع) بوده‌اند، تفال به دیوان شعر برای نام کتابفروشی می‌زند و این شعر می‌آید که:

برخیز تا طریق تکلف رها کنیم

دکان معرفت به دو جو بر بها کنیم

امامد مرحوم حاج شیخ محمدتقی معرفت آقای ابوالقاسم شفیعی بودند که کتابفروشی شفیعی را در شیراز تأسیس کردند و من در ایام کودکی از ایشان کتاب می‌خریدم. پس از فوت مرحوم شفیعی فرزندان ایشان که همه مهربان و خوب و خوش برخورد می‌باشند به همین کار ادامه می‌دهند یکی از فرزندان مرحوم شفیعی نیز مؤسسه کتاب شیراز را تشکیل داده‌اند.

از کتابفروشی‌های معتبر دیگر شیراز کتابخانه احمدی است که شاید سابقه آن از صد سال هم بیشتر و نزدیک ۱۱۷ - ۱۱۸ سال است. مؤسس آن مرحوم محمدکریم داداش تبریزی بود که از اخوان طریقت ذهبی و دستیار مرحوم وحیدالاولیا - آقای میرزا احمد تبریزی (شیخ این طریقت در فارس و ایران) بوده و هم خطاط بود و هم از اولین کسانی است که چاپخانه در شیراز دایر کرده و چاپخانه ایشان هم به نام (مطبعه احمدی) بود که الان چاپخانه احمدی موجود است.

از ناشرین دیگر شیراز مرحوم محمدهادی ناظم محمدی است. لقب ناظم از این نظر است که ناظم چاپخانه سعادت یا محمدی بوده‌اند. محل چاپ سنگی و بعد چاپ حرفی. این مرد خلیق و متواضع شاید صدها جزوه و کتاب در چاپخانه خود طبع نموده‌اند. الان هم فرزند ایشان آقای محمد محمدی انتشارات محمدی را اداره می‌کنند و از کتابفروشان فعال شیراز می‌باشند.

کتابفروشی بلادی به مدیریت آقای زین‌العابدین بلادی که چهل - پنجاه سال است به شغل کتابفروشی مداومت دارند. (متأسفانه ایشان چند ماه پیش به رحمت ایزدی رفتند)

غیر از این کتابفروشی‌هایی تأسیس شدند که آواز دهل را از دور می‌شنیدند و فکر می‌کردند علی‌آباد دهی است. چون ظاهر پرزرق و برق آدم‌های مرتب و منظم را که به کتابفروشی‌ها مراجعه می‌کردند معجزه‌ای نمی‌کنند و از نظر بازدهی مالی، طبل توخالی است هر کدام پنج شش ماه، یک سال صبر کردند. بعد غزل خداحافظی را خواندند در حدود ده تا بیست نفر!! این مقاله به درخواست پژوهشگر برجسته استاد ایرج افشار تهیه گردیده است.

